

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جامعه‌شناسی (۱)

سال دوم آموزش متوسطه

رشته‌های ادبیات و علوم انسانی - علوم و معارف اسلامی

وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف : دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری

نام کتاب : جامعه‌شناسی (۱) - ۲۴۲/۱

شورای برنامه‌ریزی : حمید پارسانیا، غلام‌رضا جمشیدیها، حسین کچویان، محمد ابراهیم فیاض، حسن ملکی، یار محمدبای،

لطیف عیوضی، محمد شریف متولی، فریدون ملای بحری، محمد مهدی ناصری، زهرا اصغری،

آزیتا بیدقی، الدوز تبریزی و علی حسینی

مؤلفین : حمید پارسانیا، محمدحسین پوریانی، حسن خیری، سیدحسین شرف‌الدین، لطیف عیوضی، نعمت‌الله کرم‌اللهی،

ابراهیم فتحی، شمس‌الله مریجی و رقیه رودسرایبی

ویراستار : دکتر حسن ستایش

آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع : اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

تهران : خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن : ۸۸۸۳۱۱۶۱ - ۹، دورنگار : ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی : ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹

وبسایت : www.chap.sch.ir

مدیر هنری : مجید ذاکری یونسی

طراح گرافیک و صفحه‌آرا : مهدی نقوی

تصویرگر : محمد پیریایی، فرید ملایی

عکاس : محمود کریمی

ناشر : شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران : تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (دارو بیخس)

تلفن : ۴۴۹۸۵۱۶۱ - ۵، دورنگار : ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی : ۳۷۵۱۵ - ۱۳۹

چاپخانه : کارون

سال انتشار و نوبت چاپ : چاپ چهارم ۱۳۹۲

حق چاپ محفوظ است.



من به همه سفارش می‌کنم به هر شکل ممکن وسایل ارتقای اخلاقی و اعتقادی و علمی و هنری جوانان را فراهم سازید؛ و آنان را تا مرز رسیدن به بهترین ارزش‌ها و نوآوری‌ها همراهی کنید؛ و روح استقلال و خودکفایی را در آنان زنده نگه دارید. مبدا... جوانان ما را، تحقیر و سرزنش نمایند و خدای ناکرده از پیشرفت و استعداد خارجی‌ها بت‌تراشند و روحیه پیروی و تقلید و گدا صفتی را در ضمیر جوانان تزریق نمایند. به جای اینکه گفته شود که دیگران کجا رفتند و ما کجا هستیم به هویت انسانی خود توجه کنند و روح توانایی و راه و رسم استقلال را زنده نگه دارند.

امام خمینی

فهرست

فصل اول

علوم اجتماعی

- ۲..... کنش انسانی
- ۸..... علوم انسانی
- ۱۲..... اهمیت علوم انسانی
- ۱۸..... کنش اجتماعی
- ۲۴..... علوم اجتماعی
- ۳۰..... تاریخچه جامعه‌شناسی
- ۳۶..... پیشینه علوم اجتماعی در یونان و جهان اسلام



فصل دوم

جهان اجتماعی

- ۴۴..... جهان اجتماعی و جهان طبیعی
- ۵۰..... اجزا و لایه‌های جهان اجتماعی
- ۵۶..... جهان‌های اجتماعی
- ۶۴..... پیامدهای جهان اجتماعی
- ۷۰..... انواع جهان اجتماعی



فصل سوم

شناخت اجتماعی

- ۷۸..... شناخت اجتماعی
- ۸۴..... انواع شناخت علمی
- ۹۰..... شناخت اجتماعی تجربی
- ۹۶..... شناخت اجتماعی عقلی
- ۱۰۰..... شناخت اجتماعی شهودی
- ۱۰۶..... شناخت اجتماعی در قرآن



دانش آموزان عزیز

سلام

از این که رشته علوم انسانی را انتخاب کرده‌اید خوشحالیم و به شما تبریک می‌گوییم؛ انتخابی زیباست که رسالتی سنگین به دنبال دارد. بدانید آینده فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی، مرهون کاوش‌ها و تلاش‌های فعلی شما خواهد بود. در راستای تحقق این رسالت بزرگ، تلاش ما بر این بوده تا زمینه مواجهه فعال و پرشور شما با علوم انسانی و اجتماعی فراهم گردد.

سال گذشته در کتاب مطالعات اجتماعی با مطالب و مسایل علوم اجتماعی به طور کلی آشنا شدید. امسال و سال‌های آینده، آن مطالب را با تفصیل بیشتری خواهید خواند.

کتاب حاضر در ۳ فصل و ۱۸ درس تنظیم شده است:

فصل اول شما را با **علوم انسانی و علوم اجتماعی** آشنا می‌کند؛ تفاوت این علوم را با علوم دیگر از جمله علوم طبیعی (تجربی) ارائه می‌دهد و اهمیت این علوم، تاریخچه و پیشینه آنها را بازگو می‌کند.

در فصل دوم با موضوع علوم اجتماعی یعنی «**جهان اجتماعی**» آشنا می‌شوید. از یک سو، تشابه و تفاوت جهان اجتماعی را با جهان طبیعی در می‌یابید و از سوی دیگر، به شباهت‌ها و تفاوت‌هایی که جهان‌های اجتماعی مختلف با هم دارند پی می‌برید. همچنین با انواع جهان‌های اجتماعی که دارای فرهنگ‌ها و تمدن‌های متفاوت‌اند آشنا

می‌شوید.

فصل سوم انواع مختلف **شناخت اجتماعی** را بازگو می‌کند. تفاوت شناخت عمومی و شناخت علمی درباره جامعه را بیان می‌کند. به ما می‌آموزد، که شناخت علمی سطوح و مراتب مختلفی دارد و هر جهان اجتماعی سطح و نوعی از شناخت اجتماعی را می‌پذیرد. در پایان، برخی از ویژگی‌های شناخت اجتماعی متناسب با جهان اجتماعی اسلام، ارائه می‌شود.

استفاده مطلوب از کتاب حاضر، مستلزم حضور فعال و پرشور شما در کلاس درس و بهره‌بردن از دانسته‌ها و تجربه‌های ارزشمند دبیران می‌باشد. تلاش کنید، با همدلی و همراهی با دوستان و دبیران خود، در مباحث کلاس شرکت کنید. سعی کنید خوب بشنوید، خوب بپرسید، خوب بگویید و خوب بنویسید. این مهارت‌ها در یادگیری و یاددهی در همه حوزه‌ها به ویژه علوم انسانی بسیار حیاتی و تأثیر گذارند. بنابراین، در کسب این مهارت‌ها بسیار بکوشید.

در این راستا، فعالیت‌های زیر در کتاب برای شما تعیین شده است:

- هر درس به سه بخش تقسیم شده است. در ابتدای هر بخش با خط درشت، پرسشی طرح شده که هدف آن برانگیختن کنجکاوی شما است. با دقت، این پرسش را بخوانید. پیش از ورود به مطلب و مطالعه آن، با استفاده از دانسته‌ها و تجربه‌های خود، برای این پرسش پاسخی فراهم کنید. پس از مطالعه متن، پاسخ خود را با پاسخ کتاب مقایسه کنید.

- ضمن هر درس، فعالیت‌هایی با عناوین مختلف مانند؛ «گفت و گو کنید»، «نمونه بیاورید»، «دلیل بیاورید» و... گنجانده شده است. این فعالیت‌ها را با نظارت و هدایت دبیران خود، در جریان گفت و گوهای کلاسی انجام دهید.

- صفحه پایانی هر درس، دارای سه بخش «**مفاهیم کلیدی**»، «**خلاصه کنید**» و «**آنچه از این درس آموختیم**» می‌باشد:

۱. مفاهیم کلیدی: هر درس درباره یک مفهوم کلیدی و چند مفهوم فرعی تألیف شده است. تلاش کنید، مجموعه مفاهیم اصلی و فرعی را بیابید.

۲. خلاصه کنید: تلاش کنید، ابتدا پرسش‌های مهمی را که این درس، در پی پاسخ‌دادن به آنهاست، پیدا کنید تا بتوانید مطالب مهم‌تر را از مطالب کم اهمیت‌تر تشخیص دهید. برای راهنمایی بیشتر، می‌توان گفت شما در این بخش یا مفاهیم کلیدی را تعریف می‌کنید یا رابطه آنها را در قالب یک گزاره یا یک جمله نشان می‌دهید.

۳. آنچه از این درس آموختیم: در این بخش، خود را در جایگاه معلم و مؤلفان قرار دهید تا بگویید و بنویسید. وقتی با قصد آموزش به دیگران، درس را بخوانید آن را بهتر و عمیق‌تر می‌فهمید و وقتی بنویسید، بهتر فکر می‌کنید؛ چراکه به تعبیری، تا دست به نوشتن نگیرد، مغز به اندیشیدن نیاغازد!

نوشتن ز گفتن مهم‌تر شناس به گاه نوشتن به جا آرهوش

نوشته‌های خود را بخوانید و نوشته‌های دیگران را هم خوب گوش کنید، آنها را با یکدیگر مقایسه کنید و با هدایت دبیر خود، بهترین آنها را انتخاب کنید و به نام نویسنده آن در این قسمت بنویسید.

* تصویرها، جدول‌ها و نمودارها در انتقال محتوای درس‌ها به شما کمک می‌کنند. به آنها توجه کنید و اگر علاقه‌مند بودید، تصویرهای مناسبی که مطلوب می‌دانید به ما پیشنهاد کنید.

* ارزشیابی این درس، به دو شکل زیر انجام می‌شود:

۱. ارزشیابی مستمر که شامل موارد زیر است:

- حضور فعال و پرشور در کلاس و شرکت در بحث و گفت و گوهای گروهی

- انجام فعالیت‌های کلاسی
 - همکاری در کارهای گروهی
 - پرسش‌های کلاسی به صورت کتبی و شفاهی
 - انجام دادن کارهای اختیاری مانند: فعالیت‌های پژوهشی، نوآوری‌ها و خلاقیت‌های علمی، ادبی و هنری
۲. ارزشیابی پایان هر نیم‌سال که به صورت کتبی و براساس بارم‌بندی مشخص انجام می‌شود.

با آرزوی بهروزی و سلامتی شما

«گروه علوم اجتماعی دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری»

همکاران عزیز

با سلام و احترام

علوم انسانی و اجتماعی دانش‌هایی تمدنی و فرهنگی‌اند. نظریه‌های علوم اجتماعی با حوزه فرهنگ و هویت، ارتباط متقابل و تأثیر دوسویه دارند. این تأثیر و تأثر ضرورت تولید و توزیع نظریه‌های بومی و برآمده از فرهنگ جامعه را ایجاد می‌کند. تحقق این امر، مستلزم برخورد فعال اندیشمندان جامعه برای تولید دانش و توزیع آن در سطوح مختلف آموزشی و البته منوط به دانستن، خواستن و توانستن نوجوانان و جوانان امروز و فرداست.

تأثیر دوسویه فرهنگ و نظریه‌های علوم اجتماعی، به این دانش‌ها، پویایی و حیات خاصی می‌بخشد. اما ممکن است در فرایند انتقال و آموزش، نظریه‌ها و فراورده‌های دوره خاصی در ذهن مخاطبان رسوخ کند و پویایی علوم اجتماعی و امکان مواجهه فعال دانش‌آموزان با این علوم را سلب نماید.

دانش‌آموزان، نخستین مواجهه خود با دانش‌های جدید را در گذار از فرهنگ عمومی به فرهنگ علمی در درس‌های دوره متوسطه تجربه می‌کنند. ماهیت این درس‌ها، باید به گونه‌ای باشد که خلاقیت ذهنی دانش‌آموزان را از بین نبرد و از متصلب و مطلق‌شدن دانش جدید جلوگیری کند. در غیر این صورت، ظرفیت‌های ذهنی آنان برای برخورد فعال با این علوم در مقاطع بالاتر زایل می‌گردد.

آموزش علوم اجتماعی باید با ایجاد علقه و علاقه، فرصت مواجهه فعال و خلاق دانش‌آموزان را با این علوم فراهم کند و برای نوآوری علمی، ترغیب‌کننده و تشجیع‌کننده باشد. بر ماست زمینه این برخورد فعال و شورانگیز را فراهم آوریم. مؤلفان کتاب تلاش کرده‌اند در این راستا گام بردارند که البته بدون خلاقیت و نوآوری‌های شما این تلاش به سرانجام نمی‌رسد.

استفاده مطلوب از کتاب، مستلزم حضور فعال دانش‌آموزان در کلاس درس و استفاده از دانسته‌ها و تجربه‌های ارزشمند شماست. امید است با روش‌های فعال یاددهی - یادگیری و ارزش‌یابی‌های هدفمند، این فرصت را غنیمت شمارید.

یادآوری این نکته ضروری است که در مواردی برای تصریح مطلب، محتوای کتاب برجسته، شماره‌گذاری و خلاصه شده است. انتظار می‌رود این گونه مطالب بستر و بهانه آزمون‌های حافظه‌مدار قرار نگیرند. بلکه تلاش همه ما بر این باشد که دانش‌آموزان در مسائل و موضوعات مطرح شده شریک و سهیم شوند و متناسب با توان و قابلیت‌های خود در آن‌ها تأمل نمایند.

با همکاری جمعی از همکاران شما، راهنمای معلمی برای این کتاب تدوین شده، که می‌تواند در فرایند تعلیم و تربیت به کار آید.

با آرزوی توفیق و بهروزی شما

«دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری»

فصل اول

علوم اجتماعی

- ۱— کنش انسانی
- ۲— علوم انسانی
- ۳— اهمیت علوم انسانی
- ۴— کنش اجتماعی
- ۵— علوم اجتماعی
- ۶— تاریخچه جامعه‌شناسی
- ۷— پیشینه علوم اجتماعی
در یونان و جهان اسلام

انتظار می‌رود در پایان این فصل دانش‌آموز:

- کنش انسانی، ویژگی‌ها و پیامدهای آن را تحلیل کند؛
- تفاوت علوم انسانی و علوم طبیعی را تشخیص دهد؛
- اهمیت و فایده علوم انسانی را تحلیل کند؛
- کنش اجتماعی و پیامدهای آن را بشناسد؛
- نسبت علوم انسانی و علوم اجتماعی را تفسیر کند؛
- به علوم انسانی و علوم اجتماعی علاقه‌مند باشد؛
- تاریخچه اجمالی جامعه‌شناسی و گونه‌های مختلف آن را تشریح کند؛
- پیشینه علوم اجتماعی در جهان اسلام را توضیح دهد.



کنش انسانی



تعریف کنش انسانی

اگر به اطراف خود بنگریم، متوجه می‌شویم که هر کس و هر چیز در حال انجام کاری است. خود ما نیز در همه حال به فعالیتی مشغولیم؛ حتی در خلوت دربارهٔ امور مختلف فکر می‌کنیم. به نظر شما، فعالیت‌های انسانی چه تفاوت‌هایی با فعالیت‌های موجودات دیگر دارد؟

در جهان، تمامی موجودات کاری انجام می‌دهند؛ ابر در آسمان حرکت می‌کند، آب در جویبار روان است، درخت برگ و بار می‌دهد، خون در رگ‌های آدمی می‌چرخد، کشاورز به

کشت و زرع می‌پردازد و ما نیز به کار و کوشش و فعالیت‌های روزانه خود می‌پردازیم... اما فعالیت انسان‌ها با فعالیت موجودات دیگر تفاوت دارد. به فعالیتی که انسان انجام می‌دهد «کنش انسانی» می‌گویند. کنش انسانی با اراده و آگاهی انسان انجام می‌شود. یک نویسنده یا هنرمند با آگاهی و اراده می‌نویسد یا اثر هنری خلق می‌کند.

از این تعریف مشخص می‌شود، بسیاری از فعالیت‌هایی که در بدن انسان نیز انجام می‌گیرد، کنش انسانی نیستند؛ مانند: ضربان قلب آدمی یا رشد سلول‌های بدن؛ زیرا این‌گونه فعالیت‌ها با اراده و آگاهی انسان انجام نمی‌شوند.

از انواع کنش انسانی می‌توان به **کنش درونی** مانند ادراک و تفکر و **کنش بیرونی** مانند راه رفتن و نشستن اشاره کرد.

نمونه بیاورید

- سه کنش انسانی که در کلاس انجام داده‌اید بیان کنید.
- برای هر یک از انواع کنش‌های درونی و بیرونی، مثال بیاورید.

ویژگی‌های کنش انسانی

کنش انسانی با فعالیت‌های طبیعی تفاوت‌هایی دارد. از این تفاوت‌ها می‌توان به عنوان ویژگی‌های کنش انسانی یاد کرد. آیا می‌توانید چند ویژگی از کنش انسانی را بیان کنید؟

برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های کنش انسان عبارت‌اند از:

۱- **آگاهانه بودن**: آگاهانه بودن کنش انسان به این معناست که فعالیت به آگاهی آدمی وابسته است؛ به‌گونه‌ای که هرگاه آن آگاهی از بین برود، کنش نیز



ادامه نخواهد یافت؛ مانند سخن گفتن که یکی از کنش‌های روزمره انسان‌هاست. اگر ما آگاهی خود را نسبت به کلمات و معانی آن‌ها از دست بدهیم، از گفتار باز می‌مانیم. از این رو بچه‌ها به علت عدم آگاهی از کلمات، نمی‌توانند حرف بزنند.

۲- **ارادی بودن**: کنش انسانی تنها با آگاهی انسان پدید نمی‌آید، انسان علاوه بر آگاهی، باید انجام فعالیتی را اراده و انتخاب کند. کارهایی که بدون اراده از انسان سر می‌زند، کنش انسانی خوانده نمی‌شوند. ممکن است فردی به صحیح بودن کاری آگاه باشد ولی تصمیم به انجام آن نگیرد یا برعکس به غلط بودن کاری آگاه باشد ولی تصمیم بگیرد آن را انجام دهد.



کنش انسانی

۳- **هدف‌دار بودن**: هر فعالیت انسان با قصد و هدف خاصی انجام می‌شود؛ هرچند این فعالیت‌ها در برخی موارد به مقصود نمی‌رسد. فردی که به رودخانه‌ای قدم می‌گذارد قصد ماهی‌گیری دارد یا می‌خواهد سردی و گرمی آب را متوجه شود یا می‌خواهد از رودخانه عبور کند و...

۴- **معنادار بودن**: کنش انسانی با توجه به آگاهی‌ای که براساس آن شکل می‌گیرد و هدفی که دنبال می‌کند، دارای معنای خاصی است؛ به همین دلیل، کنش‌های انسانی را بدون توجه به معنای آن‌ها نمی‌توانیم بشناسیم؛ برای نمونه سخن گفتن فقط صداهایی نیست که با اراده و آگاهی از دهان خارج می‌شوند، بلکه مجموعه معنایی است که به وسیله صداهای دیگر منتقل می‌شود.

همچنین اگر یکی از دانش‌آموزان در کلاس درس، دست خود را بالا بیاورد به معنای اجازه خواستن از معلم است.

۵- تناسب داشتن با موقعیت‌های زمانی، مکانی و اجتماعی: کنش انسانی در موقعیت‌های مختلف تفاوت دارد. برای مثال، کنش یک فرد در دوران کودکی با کنش او در دوران بزرگسالی فرق دارد؛ یا چگونگی برخورد آدمی با آشنایان، با برخورد او با افراد ناآشنا تفاوت می‌کند.

تفسیر کنید

بوق زدن یک کنش انسانی است. آیا این کنش در همه موقعیت‌ها، معنایی یکسان دارد؟ سه معنا برای آن ذکر کنید.

پیامدهای کنش انسانی

انسان‌ها کنش خود را با آگاهی و اراده انجام می‌دهند. هر کنش آثار و پیامدهایی دارد. آیا پیامدهای کنش نیز وابسته به آگاهی و اراده انسان‌هاست؟

کنش انسانی دو نوع پیامد دارد:

اول: **پیامدهای ارادی**؛ این نوع پیامدها به اراده افراد انسانی یعنی خود کنشگر یا افراد دیگر وابسته است.



دوم: پیامدهای طبیعی یا غیرارادی؛ این نوع پیامدها به اراده فرد انسانی وابستگی ندارد. دانش آموزی کتاب درسی خود را به درستی مطالعه می‌کند، اول این که مطالب درس را به خوبی یاد می‌گیرد؛ دوم به پرسش‌های آزمون پاسخ می‌دهد. معلم نیز متناسب با تلاش او نمره قبولی می‌دهد و او به کلاس بالاتر راه پیدا می‌کند.



۱

یادگرفتن درس‌ها، پیامد طبیعی و غیرارادی فعالیت اوست. اما پاسخ‌دادن به پرسش‌های امتحانی و دادن نمره خوب توسط معلم، پیامد ارادی کنش اوست که اولی به اراده خود او و دومی به اراده معلم وابسته است.



۲

پیامدهای طبیعی و غیرارادی کنش انسانی قطعی است؛ یعنی حتماً انجام می‌شود، ولی پیامدهایی که به اراده انسان‌ها وابسته است احتمالی است؛ یعنی ممکن است انجام بشود یا انجام نشود. در بسیاری از موارد، آدمیان کنش‌های خود را با توجه به پیامدهای ارادی و غیرارادی آن انجام می‌دهند.

تحلیل کنید

- آب این جوی به سرچشمه نمی‌گردد باز بهتر آن است که غفلت نکنیم از آغاز
- پیامدهای سحرخیزی یا ورزش صبحگاهی



۳

خلاصه کنید

خلاصه کنید: مطالب مهم درس را در قالب جمله یا گزاره بنویسید. در این قسمت مفاهیم کلیدی را تعریف می‌کنید یا ارتباط آن‌ها را دوباره نشان می‌دهید.

**فعالیتی که انسان با اراده و آگاهی انجام می‌دهد،
کنش انسانی است.**

.....

.....

.....

.....

.....

.....

مفاهیم کلیدی

اصطلاحات و مفاهیم اساسی درس را در این قسمت بنویسید:

کنش انسانی،

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

در این قسمت می‌توانید جمله‌ها و گزاره‌هایی را که در قسمت «خلاصه کنید» نوشته‌اید با هم ترکیب کنید و در قالب یک بند یا پاراگراف بنویسید.

فرض کنید می‌خواهید مطالبی را که در این درس یاد گرفته‌اید به زبان و قلم خودتان به دیگران آموزش دهید. در کلاس نوشته‌های خود را بخوانید و با راهنمای دبیر خود، بهترین آن‌ها را انتخاب کنید و به نام نویسنده آن، در کتاب خود بنویسید.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

۱- برای پیداکردن مطالب مهم درس از خود بپرسید این درس به دنبال پاسخ به چه پرسش‌هایی است.

علوم انسانی



تعریف علوم انسانی

شما امسال رشتهٔ تحصیلی علوم انسانی را انتخاب کرده‌اید. آیا تاکنون دربارهٔ آن اندیشیده‌اید؟ شما چگونه علوم انسانی را تعریف می‌کنید؟

هر علمی دربارهٔ موضوع خاصی بحث می‌کند؛ و به همین دلیل، بسیاری از دانشمندان تفاوت علوم را به تفاوت موضوع آن‌ها دانسته‌اند و براین اساس، می‌توان گفت علوم انسانی به علمی گفته می‌شود که موضوع آن‌ها، کنش انسانی است؛ یعنی، دربارهٔ کنش‌های انسان‌ها و آثار و پیامدهای آن‌ها بحث می‌کند.



علوم انسانی از فعالیت‌های غیرارادی انسان‌ها بحث نمی‌کند؛ زیرا فعالیت‌های غیرارادی، کنش انسانی نیستند. علمی که به این پدیده‌ها می‌پردازد، با آن که دربارهٔ انسان بحث می‌کنند، جزء علوم انسانی نیستند؛ مانند علم پزشکی که به بدن انسان و سلامتی و بیماری آن می‌پردازد.

پاسخ دهید

- دو مورد از دانش‌هایی را که جزء علوم انسانی هستند، نام ببرید و دلیل انتخاب خود را بیان کنید.

تفاوت علوم انسانی و علوم طبیعی

بسیاری از دوستان شما، رشته علوم طبیعی (تجربی) را انتخاب کرده‌اند. به نظر شما چه تفاوتی بین علوم انسانی و علوم طبیعی وجود دارد؟ در درس گذشته به تعریف کنش انسانی پی بردیم، این تعریف، شما را در پاسخ به این پرسش کمک می‌کند.

علوم انسانی و علوم طبیعی موضوعات متفاوتی دارند. موضوعات علوم انسانی همان‌گونه که پیش از این دانستید کنش‌های انسانی است و حال آن‌که موضوعات علوم طبیعی، پدیده‌های جهان طبیعی است.

کنش انسانی چون با اراده و آگاهی انسان انجام می‌شود دارای هدف و معنایی خاص است و به همین دلیل شناخت آن بدون فهم هدف و معنای آن ممکن نیست. اما پدیده‌های طبیعی مستقل از معانی و اهدافی هستند که انسان‌ها در نظر می‌گیرند؛ یعنی به تصمیم و اقدام انسان‌ها وابسته نیستند. بنابراین شناخت آن‌ها نیز مستقل از اهداف و اغراض انسان‌هاست. تفاوت علوم انسانی و علوم طبیعی را از تفاوت نگاه‌های زبان‌شناس و فیزیکی‌دان به صدای یک انسان می‌توان دریافت.

تفسیر کنید

● به نظر شما تفاوت نگاه یک فیزیکی‌دان و یک زبان‌شناس به صدای یک انسان چیست؟

تفاوت علوم انسانی و متافیزیک

همه با نام فلسفه یا متافیزیک آشنا هستیم به نظر شما آیا فلسفه جزء یکی از دو دسته علوم طبیعی یا علوم انسانی است یا آن که علمی مستقل است؟

موضوع علوم طبیعی و فلسفه با هم تفاوت دارد. موضوع علوم طبیعی موجودات طبیعی است. علوم طبیعی، قوانین طبیعت و موجودات طبیعی را شناسایی می‌کنند. مثلاً زیست‌شناسی درباره موجودات زنده بحث می‌کند و موجود زنده را دارای ویژگی‌هایی مانند حرکت، تغذیه و رشد می‌داند.



موضوع علوم انسانی و فلسفه نیز با هم تفاوت دارد. موضوع علوم انسانی، کنش انسانی و پیامدهای آن می‌باشد. علوم انسانی قوانین مربوط به کنش‌های انسانی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. مثلاً اقتصاد به کنش‌های اقتصادی همچون تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات می‌پردازد؛ در حالی که موضوع فلسفه، اصل وجود است؛ یعنی به موجودی خاص مانند موجودی طبیعی و انسانی نمی‌پردازد بلکه قوانین کلی موجودات را شناسایی می‌کند. این قوانین شامل همه موجودات می‌شود و مخصوص

موجودات طبیعی یا انسانی نیست؛ مانند: قانون علیّت. قانون علیّت به این معنا است که خود به خود اتفاقی در عالم رخ نمی‌دهد و هر پدیده‌ای که واقع می‌شود، دارای علت است. بنابراین فلسفه نه جزء علوم طبیعی است و نه جزء علوم انسانی؛ بلکه خود دانشی مستقل است.

پاسخ دهید

● با تکمیل جدول زیر تمایز میان علوم را توضیح دهید.

انواع علوم	علوم طبیعی	علوم انسانی	فلسفه
موضوع			

● آیا قوانین فلسفی همان‌گونه که بر موجودات طبیعی جریان دارد بر کنش‌های انسانی نیز جاری است؟

خلاصه کنید

- علوم انسانی درباره کنش‌های انسانی و آثار و پیامدهای آن‌ها بحث می‌کند.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

مفاهیم کلیدی

علوم انسانی،

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

اهمیت علوم انسانی



آینده شغلی

انتخاب رشته تحصیلی یکی از تصمیم‌های مهم زندگی ماست. هنگام انتخاب رشته، دانش‌آموزان رشته‌های مختلف را با یکدیگر مقایسه می‌کنند و با توجه به عوامل مختلفی چون علاقه خود و نیازهای جامعه می‌کوشند تا رشته‌ای را که اهمیت بیشتری دارد، انتخاب کنند. به نظر شما، علوم انسانی از اهمیت بیشتری برخوردارند یا علوم طبیعی؟



وقتی یک رشته علمی را با رشته‌ای دیگر مقایسه می‌کنیم، برای تشخیص اهمیت و برتری یکی از آن دو، نیازمند معیار و ملاکی هستیم تا آن دو رشته را ارزیابی کنیم. برای مقایسه علوم انسانی و علوم طبیعی، معیارهای مختلفی وجود دارد. براساس برخی از معیارها علوم طبیعی و براساس معیارهای دیگر علوم انسانی از اهمیت بیشتری برخوردارند.



بسیاری از خانواده‌ها، وقتی می‌خواهند رشته‌های علمی را با یکدیگر مقایسه کنند بیشتر با ملاک آینده شغلی، به داوری می‌پردازند و هر رشته‌ای را که از نظر اجتماعی و اقتصادی و فرصت‌های شغلی آینده بهتری داشته باشد ترجیح می‌دهند.

معیار و ملاک آینده شغلی را محیط اجتماعی تعیین می‌کند و با تغییر شرایط محیطی تغییر پیدا می‌کند.

بعضی از رشته‌ها در برخی جوامع از فرصت شغلی و شأن اجتماعی مناسبی برخوردارند، درحالی که همان رشته‌ها در جوامعی دیگر، آینده شغلی خوبی ندارند و زمینه اجتماعی مناسبی برایشان فراهم نیست.

تحلیل کنید

- رشته‌هایی را نشان دهید که طی سالیان مختلف، فرصت‌های شغلی آن‌ها تفاوت کرده باشد. دلیل آن را بیان کنید.
- به نظر شما، در بین رشته‌های علوم انسانی، کدام رشته از آینده شغلی بهتری برخوردار است؟
- آیا ملاک دیگری غیر از فرصت و آینده شغلی برای مقایسه علوم طبیعی و علوم انسانی می‌توانید بیان کنید.

فواید علوم طبیعی

رشته‌های علمی را براساس فایده‌ای که برای انسان دارند می‌توان رتبه‌بندی کرد. به نظر می‌رسد شما با فایده‌های علوم طبیعی آشنا هستید. آیا می‌توانید چند فایده علوم طبیعی را نام ببرید؟

می‌دانیم که موضوع علوم طبیعی عالم طبیعت است. این دسته از علوم با شناخت طبیعت، قدرت پیش‌بینی و پیشگیری از حوادث طبیعی را برای انسان فراهم می‌آورند و او را بر عالم طبیعت مسلط می‌گردانند.

بنابراین می‌توان گفت فایده‌های علوم طبیعی عبارت‌اند از:

- ۱- شناخت طبیعت
- ۲- پیش‌بینی حوادث طبیعی برای پیش‌گیری و تسلط بر طبیعت
- ۳- رهاسازی انسان از محدودیت‌های طبیعت.

به علوم طبیعی، به دلیل اینکه ابزار تسلط انسان بر طبیعت و وسیله رهاسازی انسان از محدودیت‌های طبیعی‌اند، «علوم ابزاری» می‌گویند.

تحقیق کنید

- چگونه انتشار و پیامدهای یک بیماری همه‌گیر را در گذشته مطالعه کنید و نشان دهید انسان‌ها چگونه توانستند این نوع بیماری‌ها را مهار کنند.
- به نظر شما رابطه مطلوب انسان و طبیعت چگونه رابطه‌ای است؟

فواید علوم انسانی

با فواید علوم طبیعی آشنا شدید. شما دانش‌آموزان رشته علوم انسانی چه شناختی از فواید علوم انسانی دارید؟

می‌توان گفت فایده‌های علوم انسانی عبارت‌اند از:

- ۱- شناخت و فهم معانی کنش‌های آدمیان
- ۲- شناسایی عواملی که بر زندگی انسان و کنش‌های او تأثیر دارند یا پیش‌بینی کنش‌ها و پیامدهای آن‌ها برای پیش‌گیری.



● خانه عامری‌ها، کاشان
پله‌های سنگی مسیر را نشان می‌دهند و پله‌های چوبی ابزاری هستند
برای آسان‌تر پیمودن این مسیر.

- ۲- شناخت فضیلت، عدالت، سعادت و راه صحیح زندگی و داوری درباره کنش‌های خوب و بد انسان‌ها.
- ۴- انتقاد از کنش‌های ناپسند و ظالمانه انسان‌ها.
- ۵- رهاکردن و آزادسازی انسان‌ها از ظلم‌ها و اسارت‌هایی که در اثر کنش‌های انسان‌ها پدید می‌آید.
- ۶- نشان دادن شیوه صحیح استفاده از علوم طبیعی و دانش‌های ابزاری.

علوم انسانی به دلیل اینکه به فهم معانی کنش‌های انسانی می‌پردازند، «علوم تفهیمی» نامیده می‌شوند. و از این نظر که به انتقاد از کنش‌های ناپسند آدمیان می‌پردازند، «علوم انتقادی» نیز می‌گویند.

با توجه به فواید متفاوتی که علوم طبیعی و انسانی دارند، به نظر شما اهمیت کدام دسته از علوم بیشتر است.

علوم طبیعی همچون ابزاری هستند که در دست انسان قرار دارند. انسان با این ابزار بر

عالم طبیعت مسلط می‌شود. علوم انسانی همانند چراغی هستند که راه صحیح استفاده از این ابزار را به انسان نشان می‌دهند. اگر علوم طبیعی در مسیر ارزش‌ها و فضیلت‌هایی قرار گیرند که توسط علوم انسانی شناخته می‌شوند وسیلهٔ رسیدن انسان به عدالت و سعادت می‌گردند. علوم طبیعی بدون استفاده از علوم انسانی ممکن است وسیلهٔ فساد و تباهی انسان و جهان شوند.



علوم طبیعی اگر دچار مشکل شوند قدرت تصرف انسان در طبیعت محدود می‌شود. اما اگر علوم انسانی گرفتار مشکل شوند انسان از تدبیر زندگی خود و از شناخت ارزش‌ها و آرمان‌هایی که باید دنبال نماید باز می‌ماند.

هنگامی که خود انسان به بحران گمراهی گرفتار شود، علوم ابزاری او نه تنها مشکلی را حل نمی‌کنند بلکه بر مشکلات او می‌افزایند. علوم انسانی به سبب این که راه استفاده از طبیعت و علوم طبیعی را نشان می‌دهند نسبت به علوم طبیعی از اهمیت بیشتری برخوردارند.

داوری کنید

- برخی از مفاسد و خطرهایی را که در اثر توسعهٔ یک‌جانبه‌ی علوم طبیعی پیش آمده است، فهرست کنید.
- شما برای مقایسهٔ علوم طبیعی و علوم انسانی کدام معیار را بهتر می‌دانید؟
الف) فرصت و آیندهٔ شغلی
ب) فواید علوم

خلاصه کنید

مقایسه علوم انسانی و علوم طبیعی بر اساس ملاک‌های متفاوتی صورت می‌گیرد.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

مفاهیم کلیدی

علوم ابزاری، علوم انتقادی،

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

کنش اجتماعی



تعریف کنش اجتماعی

در سال گذشته یاد گرفتیم که انسان موجودی اجتماعی است. در درس‌های گذشته نیز با معنای کنش انسانی آشنا شدیم. به نظر شما این دانسته‌های قبلی شما چه ارتباطی با «کنش اجتماعی» دارند؟

ما به دوست خود سلام می‌کنیم؛ یا پاسخ سلام او را می‌دهیم. با ورود معلم به کلاس از

جا برمی‌خیزیم. هنگام ورود به کلاس یا سوار شدن اتوبوس حق تقدم را رعایت می‌کنیم و به هم تعارف می‌کنیم. کنش‌هایی که با توجه به دیگران انجام می‌دهیم، «کنش اجتماعی» خوانده می‌شود. کنش اجتماعی نوعی از کنش انسانی است. پیش از این گفتیم کنش انسانی آگاهانه و ارادی است. اجتماعی بودن کنش به این است که آگاهی و اراده آدمی ناظر به دیگران و ویژگی‌ها و اعمال آن‌هاست.

لباس پوشیدن شما در منزل با بیرون از منزل متفاوت است؛ زیرا شما در پوشیدن لباس، به نظر دیگران درباره خودتان اهمیت می‌دهید. آدمی برای آواز خواندن خیابان را انتخاب نمی‌کند؛ چرا که احتمال می‌دهد دیگران به او اعتراض



کنند یا حداقل با نگاه‌های معنی‌دار به او بفهمانند که خیابان جای آواز خواندن نیست. از این رو، شاید در جایی آواز بخواند که کسی نباشد؛ یا موقعیت مناسبی برای آواز خواندن باشد. این‌ها مواردی از کنش‌های اجتماعی هستند. همچنین بالا رفتن فردی از دیوار خانه دیگران، حتی اگر کسی در خیابان نباشد و او را نبیند یک کنش اجتماعی است.

نمونه بیاورید

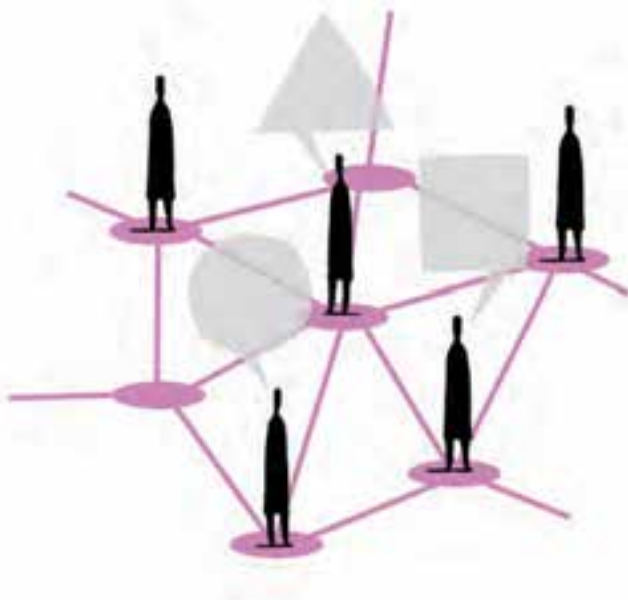
- دو مورد از کنش‌های اجتماعی را که امروز انجام داده‌اید، نام ببرید.
- این دو کنش با توجه به چه کسی و براساس چه شناخت و برداشتی از او انجام شده است؟
- نیت و هدف شما از این دو کنش چه بوده است؟

پدیده‌های اجتماعی

شما با پدیده‌های اجتماعی بسیاری سروکار دارید. آیا می‌توانید به بعضی از آنها اشاره کنید؟ پدیده‌های اجتماعی چگونه تعریف می‌شود؟ کنش‌های اجتماعی و پیامدهایی که به دنبال دارند همان پدیده‌های اجتماعی‌اند.

هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی، نقش، خرده نظام و نظام اجتماعی از جمله پدیده‌های اجتماعی‌اند که در کتاب «مطالعات اجتماعی» با مفاهیم آنها آشنا شدیم. کنش اجتماعی نخستین پدیده اجتماعی است. پدیده‌های اجتماعی دیگر، آثار و پیامدهای کنش اجتماعی انسان‌اند؛ مثلاً:

هنجار اجتماعی، شیوه کنش اجتماعی است که مورد قبول افراد جامعه قرار گرفته است. ارزش‌های اجتماعی، آن دسته از ارزش‌هایی هستند که مورد توجه و پذیرش همگان بوده



و افراد یک جامعه نسبت به آنها گرایش و تمایل دارند.

اگر کنش اجتماعی نباشد، هیچ هنجاری شکل نمی‌گیرد و هیچ یک از ارزش‌ها و آرمان‌های اجتماعی مانند حقیقت، عدالت، امنیت، آزادی و سعادت محقق نمی‌شوند.

فردی که به تنهایی در اتاقی سیگار می‌کشد در حال انجام یک کنش انسانی است. حال اگر فرد دیگری وارد اتاق شود سیگار کشیدن او یک کنش اجتماعی می‌شود و پای هنجارها و ارزش‌ها را به میان می‌آورد. او می‌تواند برای رعایت حقوق دیگری (تحقق یک ارزش) سیگار خود را خاموش کند (پیدایش یک هنجار).

هنجارها و ارزش‌ها بعد از آنکه از طریق کنش‌های اجتماعی انسان‌ها تحقق پیدا کنند، از سویی، با تعلیم و تربیت، تشویق و تنبیه، پدیده‌های جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی را ایجاد می‌کنند. برای مثال آشنا کردن افراد جامعه با آسیب‌های سیگار کشیدن مصداق جامعه‌پذیری و

ممنوعیت این کنش در مکانهای عمومی، نمونه کنترل اجتماعی است. هنجارها و ارزش‌ها از سوی دیگر با تعیین انتظارات و توقعات زمینه لازم را برای نقش‌های اجتماعی به وجود می‌آورند و نظام اجتماعی خرد و کلان نیز به وسیله کنش‌های اجتماعی متقابل شکل می‌گیرد.

تمرین کنید

- پدیده‌های اجتماعی نامبرده در درس را با استفاده از کتاب «مطالعات اجتماعی» تعریف کنید
- خردترین و کلان‌ترین پدیده اجتماعی کدامند؟

نظام اجتماعی

پدیده‌های اجتماعی مستقل از یکدیگر تحقق پیدا نمی‌کنند. هریک از آن‌ها در بعضی از دیگر پدیده‌ها تأثیر می‌گذارند و از بعضی تأثیر می‌پذیرد. آیا می‌توانید برخی از مناسبات پدیده‌های اجتماعی را ذکر کنید؟

هریک از پدیده‌های اجتماعی در تناسب با دیگر پدیده‌های اجتماعی شکل می‌گیرد. مثلاً، هرکنش با هنجارهای خاصی سازگار است. در جامعه‌ای که نوعی از هنجارهای اجتماعی استقرار یافته است کنش‌هایی که ناسازگار با آن هنجارها باشند، نابهنجار شمرده می‌شوند.



هر کنش براساس نیّت، هدف و معنای خاصی شکل می‌گیرد. نیّت و هدف کنشگر با ارزش‌های موردنظر او متناسب دارد. ارزش‌های اجتماعی – که همان ارزش‌های مورد قبول جامعه است – نیز کنش‌های متناسب با خود را می‌طلبند.



ارزش‌های اجتماعی از کنش‌هایی حمایت می‌کنند که متناسب با آن‌ها باشند و کنش‌هایی را که متناسب با ارزش‌های ناشناخته و مغایر باشند، کنترل می‌کنند؛ یعنی، کنترل اجتماعی و جامعه‌پذیری نیز، متناسب با باورها، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است.

نظام اجتماعی برآیند سایر پدیده‌های اجتماعی است. در این نظام، پدیده‌های مختلف اجتماعی دارای تأثیر و تأثر متقابل هستند.

اگر پدیده‌های خرد اجتماعی از نسبتی هماهنگ برخوردار باشند، نظام اجتماعی کلان از انسجام برخوردار است و اگر پدیده‌های خرد، از جمله خرده نظام‌ها، مثل نظام تعلیم و تربیت و نظام اقتصادی و سیاسی، ناسازگار عمل کنند، نظام اجتماعی کلان، متناسب با آن ناسازگاری‌ها دستخوش تغییراتی خواهد شد.

تحقیق کنید

- نظام قومی و قبیله‌ای با چه نوع ارزش‌هایی سازگار است؟ برخی از آن ارزش‌ها را نام ببرید.
- دو هنجار و کنش اجتماعی متناسب با این نظام را بیان کنید.
- ارزش عدالت، با چه هنجارهایی در زمینه آموزشی سازگار است؟

خلاصه کنید

- کنش اجتماعی، نوعی کنش انسانی است که با توجه به دیگران انجام می‌شود.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

مفاهیم کلیدی

پدیده اجتماعی؛

کنش اجتماعی؛

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

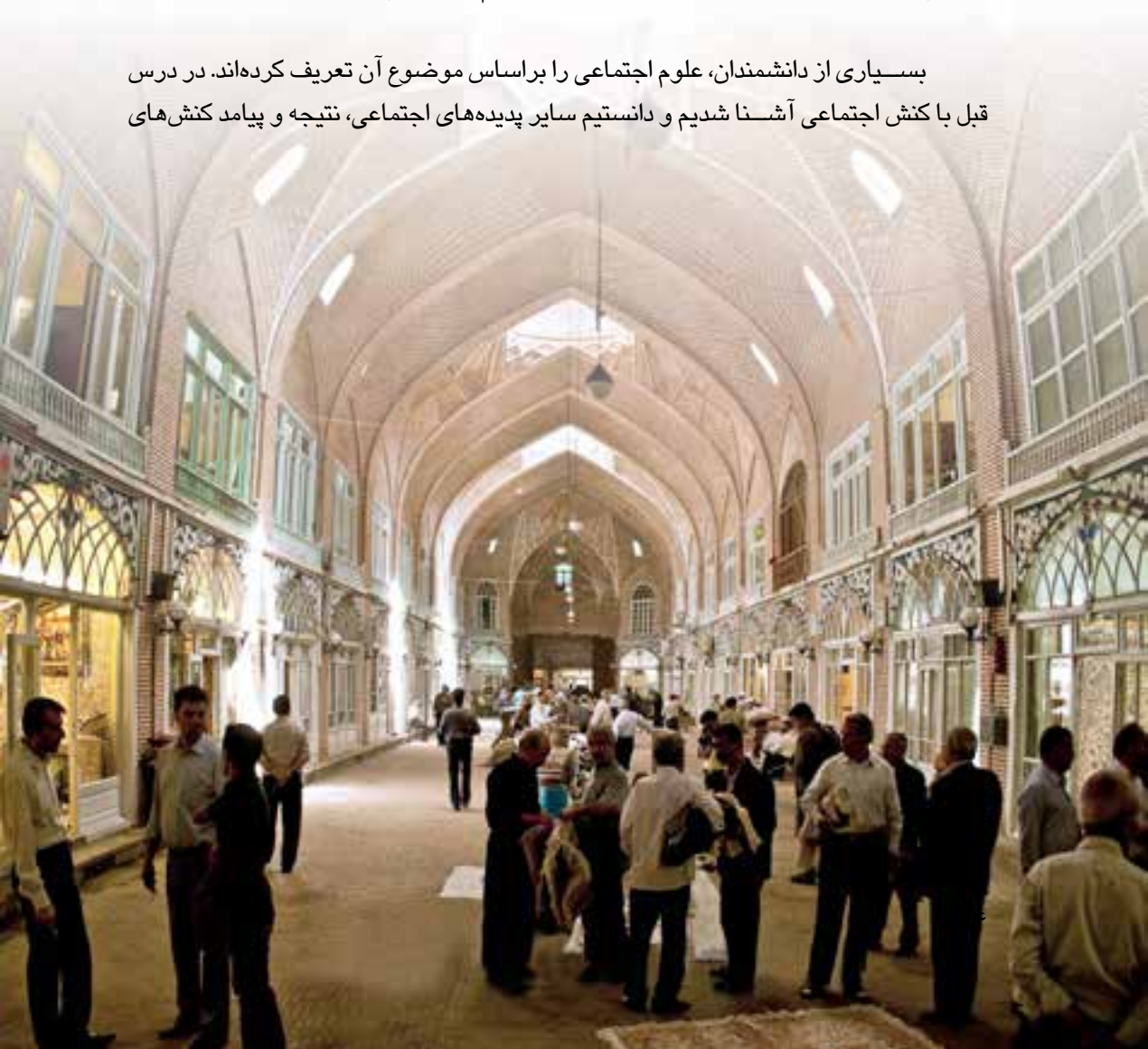
.....

علوم اجتماعی

تعریف علوم اجتماعی

هر علمی، از جهات مختلف، با علوم دیگر تمایز دارد؛ مانند موضوع، هدف و روش. علوم اجتماعی را نیز با همین معیارها از دانش‌ها و علوم دیگر می‌توان بازشناخت. به نظر شما، تعریف علوم اجتماعی چیست؟

بسیاری از دانشمندان، علوم اجتماعی را براساس موضوع آن تعریف کرده‌اند. در درس قبل با کنش اجتماعی آشنا شدیم و دانستیم سایر پدیده‌های اجتماعی، نتیجه و پیامد کنش‌های



اجتماعی هستند. می‌توان علوم اجتماعی را شناخت کنش اجتماعی انسان و پیامدهای آن تعریف کرد. این تعریف علاوه بر آن که کنش اجتماعی انسان را در برمی‌گیرد، پدیده‌های اجتماعی دیگر از جمله نظام‌های خرد و کلان اجتماعی را نیز شامل می‌شود. علوم اجتماعی را می‌توان علم به پدیده‌ها و واقعیت‌های اجتماعی نیز تعریف کرد.

تفسیر کنید

گفتیم کنش انسانی و پیامدهای آن موضوع علوم انسانی و کنش اجتماعی و پیامدهای آن موضوع علوم اجتماعی هستند. با مقایسه دو شکل زیر نسبت علوم انسانی و علوم اجتماعی را پیدا کنید.



اهمیت علوم اجتماعی

با توجه به آنچه در درس سوم درباره اهمیت علوم انسانی بیان شد اهمیت علوم اجتماعی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

موضوع علوم انسانی کنش‌های انسانی، و موضوع علوم اجتماعی کنش‌های اجتماعی انسان است؛ بنابراین موضوع علوم انسانی عام‌تر از موضوع علوم اجتماعی است. در نتیجه علوم اجتماعی بخشی از علوم انسانی محسوب می‌شود و همه فواید علوم انسانی را داراست. فایده‌های علوم اجتماعی:

اول: شناسایی کنش‌های اجتماعی انسان‌ها، قدرت پیش‌بینی نسبت به آثار و پیامدهای فعالیت‌های اجتماعی را پدید می‌آورد و از این جهت، نقش علوم ابزاری را ایفا می‌کند. البته قدرت پیش‌بینی علوم اجتماعی به دلیل آگاهانه و ارادی بودن کنش‌های انسانی و تنوع آنها از پیچیدگی بیشتری نسبت به علوم طبیعی برخوردار است.



دوم: علوم اجتماعی با فهم معانی کنش‌های دیگران، امکان همدلی و همراهی با آنان را پدید می‌آورد.

سوم: در علوم اجتماعی ظرفیت داوری دربارهٔ هنجارها و ارزش‌های رفتاری خود و دیگران و به دنبال آن امکان انتقاد نسبت به خطاهای رفتاری و اجتماعی وجود دارد. علوم اجتماعی با داوری و انتقاد دربارهٔ کنش‌های اجتماعی، فرصت واکنش و موضع‌گیری اجتماعی مناسب و صحیح را برای دانشمندان فراهم می‌آورد.

تحلیل کنید

فرض کنید شما شاهد نزاع و درگیری میان دو کشور، دو قبیله در منطقه‌ای یا دو فرد در خیابانی هستید. چگونه می‌توانید فواید علوم اجتماعی را در بررسی، ارزیابی و حل یکی از این درگیری‌ها نشان دهید؟

شاخه‌های علوم اجتماعی

موضوعاتی که دارای اجزاء و ابعاد مختلف‌اند، با توجه به ابعاد یا اجزای خود، دانش‌های مختلفی را پیرامون خود به وجود می‌آورند؛ مانند بدن انسان که تخصص‌های گوناگونی دربارهٔ اعضای آن پدید می‌آید. کنش اجتماعی انسان نیز به لحاظ پیامدهای خرد و کلان آن، شاخه‌ها و دانش‌های اجتماعی متفاوتی را به دنبال می‌آورد. آیا می‌توانید برخی از دانش‌هایی را که پیرامون

پدیده‌های اجتماعی شکل می‌گیرند نام ببرید؟

از جمله رشته‌هایی که اینک پیرامون پدیده‌های اجتماعی وجود دارد و در محیط‌های آموزشی مختلف فعال هستند عبارت‌اند از: اقتصاد، حقوق، سیاست، تاریخ، باستان‌شناسی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، جمعیت‌شناسی، زبان‌شناسی، مدیریت، روان‌شناسی اجتماعی،



جغرافیای انسانی و ...

اقتصاد: علم مربوط به کنش‌های اقتصادی انسان در زمینه‌های تولید، توزیع، مبادله و مصرف است. این کنش‌ها، نظام اقتصادی را پدید می‌آورند.

حقوق: علم به آن دسته از قواعد زندگی اجتماعی است که ضمانت اجرای رسمی دارند و بخشی از روابط اجتماعی افراد را تعیین می‌کنند.



سیاست: علم اداره جامعه یا علم به پدیده قدرت و حکومت است که یکی از خرده نظام‌های اجتماعی است.

تاریخ: علمی است که پدیده‌های اجتماعی را به لحاظ زمانی بررسی می‌کند.
باستان‌شناسی: واقعیت‌های انسانی و اجتماعی را از گذشته دورتر، براساس آثار و بقایای انسانی جست‌وجو می‌کند.



مردم‌شناسی: کنش اجتماعی و روابط اقوام محلی و گروه‌های نژادی و همچنین ابعاد فرهنگی جوامع پیشین و جوامع شهری را مطالعه می‌کند.

جامعه‌شناسی: با مردم‌شناسی وجوه مشترک فراوانی دارد. بیشتر به جوامع معاصر و مدرن می‌پردازد. در این علم، رشته‌های فرعی فراوانی به وجود آمده است که به بخش‌های مختلف زندگی اجتماعی بشر می‌پردازند؛ مانند: جامعه‌شناسی شهری، جامعه‌شناسی کار و صنعت، جامعه‌شناسی روستایی و جامعه‌شناسی علم.

براساس تعاریف بعضی از جامعه‌شناسان، جامعه‌شناسی را شناخت کنش اجتماعی انسان و بعضی دیگر شناخت نظام‌های اجتماعی دانسته‌اند. گروه اول به پدیده‌های اجتماعی خرد، یعنی کنش اجتماعی نظر دارند، به جامعه‌شناسی آنان، جامعه‌شناسی خرد می‌گویند. به جامعه‌شناسی گروه دوم که پدیده‌های اجتماعی کلان را مورد نظر قرار داده‌اند، جامعه‌شناسی کلان گفته می‌شود. البته جامعه‌شناسی می‌تواند پدیده‌های اجتماعی را در هر دو سطح خرد و کلان مورد بررسی قرار دهد.

تحلیل کنید

علمی را نام ببرید که براساس تعریف ارائه شده از علوم انسانی، در حوزه علوم انسانی باشد ولی جزء علوم اجتماعی نباشد.

خلاصه کنید

– علوم اجتماعی، علم به کنش اجتماعی انسان و پیامدهای آن است.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

مفاهیم کلیدی

علوم اجتماعی؛

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

تاریخچه جامعه‌شناسی



جامعه‌شناسی پوزیتیویستی

علوم اجتماعی در طول تاریخ اندیشهٔ بشری به صورت‌های گوناگون حضور داشته است؛ در قرن نوزدهم میلادی، صورت جدیدی از این دانش با نام جامعه‌شناسی متولد شد. ویژگی‌های جامعه‌شناسی قرن نوزدهم چیست؟

در قرن نوزدهم، نوعی از حس‌گرایی که شناخت علمی را به دانش حسی و تجربی محدود می‌کرد، غالب شد. این جریان را «اثبات‌گرایی» یا «پوزیتیویسم» می‌نامند. با غلبه اثبات‌گرایی و رشد علوم طبیعی، نوع جدیدی از دانش اجتماعی که الگو و روش خود را از علوم طبیعی می‌گرفت به وجود آمد.



اگوست کنت (۱۸۵۷-۱۷۹۸م) که بنیان‌گذار این نوع از دانش اجتماعی شناخته می‌شود، در ابتدا با تأثیرپذیری از علوم طبیعی، این دانش را «فیزیک اجتماعی» خواند و سپس لفظ «جامعه‌شناسی» را برای آن برگزید.

موضوع، روش و هدف این دانش را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

موضوع: جامعه‌شناسی قرن نوزدهم موضوع خود، یعنی جامعه و پدیده‌های اجتماعی، را مانند یکی از پدیده‌های انداموار طبیعی، در نظر می‌گرفت و تفاوت میان موضوع علوم طبیعی و علوم اجتماعی را نادیده می‌انگاشت.

روش: جامعه‌شناسی پوزیتیویستی، روش صرفاً حسی و تجربی را به عنوان روش علمی به رسمیت می‌شناخت. براساس این دیدگاه، کسانی که از منابع معرفتی عقل و وحی برای شناخت عالم استفاده کنند، از شناخت علمی بهره‌ای ندارند؛ و دانش اجتماعی پیشینیان نیز به دلیل استفاده از این منابع، غیر علمی است.



● آزمایشگاه ویلهلم وونت

رونت با الگوپذیری از علوم طبیعی نخستین آزمایشگاه روانشناسی را در سال ۱۸۷۹ در دانشگاه لایپزیک تأسیس کرد. اعتقاد او این بود که ذهن و رفتار انسان مانند مواد شیمیایی می‌تواند موضوع تحلیل تجربی قرار گیرد. بعضی از اندیشمندان علوم اجتماعی متأثر از روش و سبک کار آزمایشگاه ایشان بوده‌اند.

هدف: در قرن نوزدهم، با غلبه رویکرد دنیوی در جامعه‌شناسی جدید، ارزش‌ها و هنجارهای پیشین جامعه دچار تزلزل شده بود. هدف جامعه‌شناسی در آن مقطع، شناخت پدیده‌های اجتماعی برای پیش‌بینی و کنترل آنها بود.

تحلیل کنید

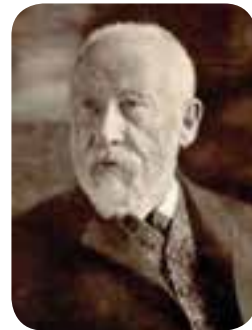
- جامعه‌شناسی در قرن نوزدهم الگوی خود را از کدام دسته از علوم می‌گرفت؟
- چرا در قرن نوزدهم میلادی، از منظر جامعه‌شناسی پوزیتیویستی دانش اجتماعی پیشینیان غیرعلمی دانسته شد؟

جامعه‌شناسی تفهّمی

در پایان قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم، با آن که روش تجربی همچنان به عنوان روش اصلی شناخت علمی مورد پذیرش جامعه علمی بود، تعدیل‌هایی در جامعه‌شناسی به وجود آمد و با این تعدیل‌ها، نوع جدیدی از جامعه‌شناسی شکل گرفت که به آن «جامعه‌شناسی تفهّمی» می‌گویند. خصوصیات این نوع از جامعه‌شناسی چیست؟

دیلتای متفکر آلمانی (۱۹۱۲-۱۸۳۳م.) با توجه به ویژگی‌های کنش‌های انسانی و معنادار بودن آنها، به تفاوت موضوعات علوم انسانی و علوم طبیعی، پی برد.

ماکس وبر، جامعه‌شناس آلمانی (۱۹۲۰-۱۸۶۴م.) با تأثیرپذیری از دیلتای توانست نوع جدیدی از جامعه‌شناسی را بنیان گذارد که کمتر از علوم طبیعی الگو می‌گرفت. خصوصیات این نوع از جامعه‌شناسی را از جهت موضوع، روش و هدف می‌توان به صورت زیر بیان کرد:



دیلتای متفکر آلمانی

موضوع: او موضوع جامعه‌شناسی را کنش‌های اجتماعی انسان معرفی کرد. براساس این دیدگاه، موضوع جامعه‌شناسی از نوع موضوعات طبیعی نیست که فقط با مشاهده و آزمون شناخته شود بلکه رفتارهای معناداری است که فقط از طریق فهم و دریافت معانی آنها شناخته می‌شوند. به علت توجهی که ماکس وبر به ضرورت فهم معانی رفتار کنشگران داشت، جامعه‌شناسی او را «جامعه‌شناسی تفهّمی» می‌نامند.

روش: ماکس وبر با آن که همچنان به حس و تجربه به عنوان شاخص اصلی شناخت علمی اهمیت می‌داد، به دو نکته مهم توجه کرد:

اول - ذهن و عقل انسان در جریان شناخت تأثیر فعال دارد.

دوم - شناخت علمی به روش تجربی محدودیت‌هایی دارد. از نظر او، جامعه‌شناسی علمی به دلیل خصلت تجربی خود، نمی‌تواند داوری‌های ارزشی کند، و دربارهٔ آرمان‌ها و ارزش‌های اجتماعی جوامع مختلف قضاوت نماید یا آنکه از جامعهٔ آرمانی سخن بگوید.

هدف: در جامعه‌شناسی تفهیمی، هدف، داوری ارزشی و انتقادی نسبت به ارزش‌ها در نظام اجتماعی نیست بلکه فهم پدیده‌های اجتماعی برای پیش‌بینی و کنترل آن‌هاست.

در این نگاه، جامعه‌شناسی مانند علوم طبیعی بیشتر جنبهٔ ابزاری پیدا می‌کند.

تحلیل کنید

چرا جامعه‌شناسی تفهیمی نمی‌تواند داوری ارزشی داشته باشد؟

جامعه‌شناسی انتقادی

جامعه‌شناسی از پایان قرن نوزدهم با توجه به تفاوت «موضوع» خود، از علوم طبیعی فاصله گرفت و طی قرن بیستم با توجه به تفاوت «روش» خود نیز به تدریج به روش‌های غیرتجربی اهمیت داد. این امر، نوع جدیدی از جامعه‌شناسی را که جامعه‌شناسی انتقادی نامیده می‌شود، پدید آورد.



● صحنه‌ای از فیلم
عصر جدید چارلی چاپلین

ویژگی‌های جامعه‌شناسی انتقادی چیست؟

جامعه‌شناسی انتقادی و دیدگاه‌های پایان قرن بیستم با جامعه‌شناسی قرن نوزدهم تفاوت‌هایی از نظر موضوع، روش و هدف پیدا کرده است.

موضوع: جامعه‌شناسی انتقادی مانند جامعه‌شناسی تفهیمی، موضوع خود را از نوع موضوعات طبیعی نمی‌داند بلکه به کنش‌های انسانی و نقش آگاهی و اراده در آن توجه دارد.

روش: این نوع جامعه‌شناسی به شناخت حسی و تجربی بسنده نمی‌کند بلکه سطوح دیگری از معرفت و عقلانیت را - که در فرهنگ و عرف اجتماعی بشر حضور دارد - برای شناخت علمی به رسمیت می‌شناسد؛ به همین دلیل، داورهای ارزشی را نیز - با آن که معیاری تجربی ندارند - جزء علوم اجتماعی می‌داند. جامعه‌شناسی، این بخش از دانش یعنی داورهای ارزشی خود را با روش‌ها و استدلال‌های غیرحسی و غیرتجربی دنبال می‌کند.

هدف: جامعه‌شناسی انتقادی، فقط یک علم ابزاری نیست تا در خدمت وضع موجود و به پیش‌بینی و پیش‌گیری حوادث مشغول باشد بلکه دانشی است که با داورهای نسبت به ارزش‌ها و هنجارها، توصیه‌های خود را جهت گذار از نظام موجود به سوی نظام مطلوب، انجام می‌دهد. از این دیدگاه، جامعه‌شناسی پوزیتیویستی و تفهّمی، دیدگاه‌هایی محافظه‌کارانه‌اند؛ زیرا قادر به داورهای نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی نیستند و به همین دلیل به شرایط موجود تن می‌دهند.

مقایسه کنید

با کامل کردن جدول زیر شباهت‌ها و تفاوت‌های جامعه‌شناسی پوزیتیویستی، تفهّمی و انتقادی را توضیح دهید.

جامعه‌شناسی انتقادی	جامعه‌شناسی تفهّمی	جامعه‌شناسی پوزیتیویستی	نوع / معیار
			موضوع
			روش
			هدف

خلاصه کنید

- جامعه‌شناسی پوزیتیویستی در قرن نوزدهم در اثر
غلبه حس‌گرایی و محدود کردن شناخت علمی به شناخت
حسی و تجربی، به وجود آمد.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

مفاهیم کلیدی

جامعه‌شناسی

پوزیتیویستی؛

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

پیشینه علوم اجتماعی در یونان و جهان اسلام



ارسطو



فارابی



ابن سینا

موضوع و اهمیت علوم اجتماعی

علوم اجتماعی قبل از قرن نوزدهم نیز در تاریخ اندیشه بشری به صورت یک دانش مستقل حضور داشت. بسیاری از دانشمندان در طبقه بندی علوم، جایگاه ویژه‌ای برای آن قائل بودند. این جایگاه نشان دهنده نحوه نگاه آنان به موضوع این دانش هم بود، موضوع دانش اجتماعی و اهمیت آن قبل از قرن نوزدهم چه بوده است؟

قبل از غلبه حس‌گرایی، برخی از دانشمندان جهان اسلام، مانند فارابی، ابن سینا و همچنین

قبل از آنان اندیشمندان یونانی چون ارسطو، علوم را در یک تقسیم‌بندی کلان، براساس موضوع آنها به دو دسته تقسیم می‌کردند:

اول: علوم نظری

دوم: علوم عملی.

علم نظری، به هر علم و دانشی می‌گویند که موضوع آن مستقل از اراده و آگاهی انسان است، و علم عملی، به دانشی گفته می‌شود که موضوع آن با اراده و آگاهی انسان پدید می‌آید. علوم عملی در این تعریف معنایی معادل با علوم انسانی دارد.

از نظر آنان، علوم نظری به علوم طبیعی یا تجربی منحصر نمی‌شود و دارای سه بخش اصلی است:

اول: علمی که به قوانین عام هستی می‌پردازد و آن را متافیزیک یا فلسفه به معنای خاص می‌نامند.

دوم: علمی که موضوع آن اندازه و مقدار است؛ این بخش از علم شامل دانش‌های ریاضی می‌شود.

سوم: دانشی که موضوع آن موجودات مادی و طبیعی است. این دانش را علم طبیعی می‌نامند.



علوم عملی نیز که همان علوم انسانی است، به سه بخش تقسیم می‌شود:

اول: علم اخلاق

دوم: علم خانواده و تدبیر منزل

سوم: علم جامعه (سیاست) و تدبیر مُدُن.

تقسیم‌بندی فوق نشان می‌دهد که متفکران مسلمان و برخی از اندیشمندان یونان از دیرباز با علوم انسانی و اجتماعی آشنایی داشته و تفاوت این علوم را با علوم طبیعی، ریاضی و هم‌چنین متافیزیک در نظر داشته‌اند.

با هم بیندیشید

- تفاوت علوم نظری و علوم عملی را بیان کنید.
- متافیزیک (فلسفه به معنای خاص) جزء کدام دسته از علوم است؟
- علوم انسانی و اجتماعی جزء علوم نظری‌اند یا علوم عملی؟ دلیل آن را بیان کنید.

علم تدبیر مُدُن

متفکران مسلمان با شناخت تفاوت موضوع علم عملی و نظری، دانش اجتماعی را شبیه علوم طبیعی نمی‌دانستند و به همین دلیل، دانش اجتماعی آنان از نوع جامعه‌شناسی پوزیتیویستی نیست. آنان به دلیل این که شناخت علمی را به شناخت حسی و تجربی محدود و مقید نمی‌کنند، به محدودیت‌های جامعه‌شناسی تفهّمی نیز گرفتار نمی‌شوند. اینک جای این پرسش هست که دانش اجتماعی آنان چه تفاوت‌هایی با جامعه‌شناسی انتقادی دارد؟

جامعه‌شناسی انتقادی در روش خود از محدود کردن شناخت علمی به شناخت تجربی فاصله می‌گیرد. با فراتر رفتن از محدوده علم تجربی و ابزاری سطوح دیگری از علم را که توان داوری ارزشی و هنجاری داشته باشد، جستجو می‌کند. ولی در این راستا با مشکل مواجه می‌شود؛ زیرا از نشان دادن معیار و میزانی که فراتر از محصولات اجتماعی و تاریخی انسان بوده و برای همگان معتبر باشد باز می‌ماند؛ اما متفکرانی که در مباحث فلسفی خود، عقل را نیز هم چون حس و تجربه به عنوان یک ابزار مستقل معرفتی به رسمیت می‌شناسند، برای داوری ارزشی و هنجاری

مشکلی ندارند. آنان همان‌گونه که علوم را به دو بخش نظری و عملی تقسیم می‌کنند، عقل را نیز به نظری و عملی تقسیم می‌کنند.

عقل نظری قوه‌ای است که به شناخت هستی‌ها می‌پردازد. این قوه به کمک حس و با روش تجربی، هستی‌های طبیعی را می‌شناسد و به‌طور مستقل و با روش تجربی، احکام ریاضی و متافیزیکی را درمی‌یابد.

در مقابل، عقل عملی قوه‌ای است که باید‌ها و نباید‌ها و احکام ارزشی را می‌شناسد و درباره‌ی ارزش‌های فردی و اجتماعی داوری می‌کند؛ مانند تشخیص خوبی عدالت و بدی ظلم. علم اجتماعی هنگامی که با استفاده از عقل و وحی توان داوری درباره‌ی ارزش‌های اجتماعی را پیدا می‌کند، با حفظ هویت علمی خود وظیفه‌ی تدبیر اجتماعی را نیز بر عهده می‌گیرد؛ از این‌رو، فارابی علم اجتماعی را علم تدبیر مُدُن، یعنی علم تدبیر جوامع می‌نامد.

تفسیر کنید

تفاوت عقل عملی با عقل نظری چیست و عقل عملی چه تأثیری بر علوم اجتماعی دارد؟



● علامه طباطبایی

سید محمد حسین طباطبایی مشهور به علامه (۱۲۸۱ - ۱۳۶۰ ه. ش) یکی از فیلسوفان و مفسران بزرگ جهان اسلام در سه قرن اخیر بوده است. اهمیت ایشان به لحاظ علمی در احیای حکمت و فلسفه و تفسیر است. تفسیر المیزان، اصول فلسفه و روش رئالیسم و مباحثات ایشان با شرق‌شناس فرانسوی هانری کرین از آثار ماندگار ایشان است. علامه طباطبایی از فیلسوفانی است که امتداد اندیشه‌های فلسفی خود را در قلمرو و علوم اجتماعی نیز پی می‌گیرد. ایشان با طرح ابعاد فلسفی مبحث اعتباریات، از آن در تبیین واقعیت‌های اجتماعی بهره می‌برد.

۱- در مراحل شکل‌گیری مفاهیم کلی، توانایی ذهن در جدا کردن جنبه‌های مشترک از جنبه‌های غیر مشترک مفاهیم «تجریدی» نامیده می‌شود.

عقل عملی و پدیده‌های اعتباری

عقل عملی نه تنها مشکلات جامعه‌شناسی را برای داوری‌های ارزشی و فعالیت تدبیری حل می‌کند، بلکه راز تفاوت پدیده‌های اجتماعی و انسانی را با پدیده‌های طبیعی نیز می‌گشاید. به نظر شما، پدیده‌های اجتماعی چه تفاوتی با سایر موجودات دارند؟ این پدیده‌ها چگونه به وجود می‌آیند؟



پیش از این دانستیم علوم عملی که شامل علوم انسانی و اجتماعی هستند، درباره‌ی هستی‌ها و موجوداتی بحث می‌کنند که با اراده و آگاهی انسان ایجاد می‌شوند و علوم دیگر – که از آن‌ها با عنوان علوم نظری یاد شد – درباره‌ی سایر موجودات بحث می‌کنند.

علامه طباطبائی، فیلسوف معاصر جهان اسلام، کاوش‌هایی درباره‌ی عقل نظری و عقل عملی انجام داده است. از نظر ایشان عقل عملی انسان را در انجام عملش یاری می‌رساند و در این مسیر پدیده‌هایی را ایجاد و اعتبار می‌کند. این پدیده‌ها در علوم عملی، یعنی علوم انسانی و اجتماعی، بررسی می‌شوند. او چنین پدیده‌هایی را که با قرارداد و اعتبار عقل عملی ایجاد می‌شوند «اعتباریات» می‌نامد؛ مانند گروه، خانواده، جامعه و قواعد و مقرراتی که انسان‌ها وضع می‌کنند.

اعتباریات یا پدیده‌هایی که با اعتبار عقل عملی ایجاد می‌شوند دارای دو ویژگی هستند: (۱) به خواست و اراده‌ی انسان به وجود می‌آیند؛ (۲) دارای آثار و پیامدهای غیرارادی و تکوینی هستند

هم‌اندیشی کنید

- دو پدیده‌ی اعتباری نام ببرید و یک اثر و پیامد غیراعتباری برای هر کدام ذکر کنید.
- آیا موجودات طبیعی مانند اشیا، جانوران و گیاهان از پدیده‌های اعتباری هستند؟ دلیل بیاورید.